گزارش ۲

سعیده زمانی



صرفه‌جویی در مصرف گاز کلید روشنایی است

مردم هوای گاز و برق را دارند

حدود ۷۰ درصد از مشترکان گاز خوش‌مصرف و طبق الگو هستند و ۱۸ درصد از مشترکان نیز در پله دوم قرار دارند

با توجه به شرایط خاص تأمین گاز کشور در سال جاری، صرفه‌جویی در مصرف گاز بیش از هر زمان دیگری ضروری است و در این شرایط، مشارکت و همراهی مردم نقشی کلیدی در مدیریت مصرف و عبور مطمئن از روزهای سرد زمستان ایفا می‌کند. امسال پویش «۱۸ تا ۲۰ درجه» به عنوان یک هدف‌گذاری همگانی برای مدیریت مصرف و گرمایش منازل در حال اجراست. گزارش‌ها از همراهی مردم در صرفه‌جویی در بخش‌های مختلف از جمله در مصرف گاز حکایت دارد. طبق آمارها مصرف گاز کشور در اول آذرماه ۶,۵ میلیون مترمکعب نسبت به روز قبل آن کاهش داشته است. این در شرایطی است که شرکت ملی گاز از مردم خواسته با پیوستن به پویش صرفه‌جویی، مصرف گاز را مدیریت کنند. با این حال همچنان ۵۸ درصد گاز تولیدی کشور در بخش خانگی و تجاری مصرف می‌شود.

طبق آمار شرکت ملی گاز ایران در روز دوم آذرماه ۱۴۰۵، از مجموع ۶۹۶ میلیون مترمکعب گاز تولیدی کشور، ۴۰۳ میلیون مترمکعب در بخش خانگی مصرف شده است. بر این اساس، ۵۸ درصد از کل گاز تولیدی کشور در بخش خانگی، تجاری و صنایع جزء به مصرف رسیده است. در زمستان پیش رو تأکید دولت به عدم قطع گاز صنایع است. در سال‌های گذشته عمده تأکید سیاست‌گذار حوزه انرژی در شرایط ناترازی‌ها، جلوگیری از قطعی برق و گاز بخش خانگی بوده است و در این شرایط عمدتاً صنایع تحت فشار بیشتری قرار می‌گرفتند. این وضعیت به مرور تولیدات صنعتی را با چالش روبه‌رو می‌کند. بنابراین تأکید امسال دولت بر جلوگیری از قطعی گاز صنایع و لزوم همراهی بیشتر در مدیریت مصرف، به خصوص در بخش خانگی و تجاری است.

ارتباط مستقیم مدیریت مصرف گاز خانگی با استمرار تولید برق

دولت با هدف افزایش عرضه گاز و جبران بخشی از ظرفیت تولید از دست‌رفته، اقداماتی را در دستور کار قرار داده است. این اقدامات در پی کاهش توان تولید گاز کشور بر اثر حملات ددمنشانه دشمن به تأسیسات گازی در جریان جنگ اخیر، با هدف بازگرداندن ظرفیت تولید و تقویت پایداری تأمین گاز کشور دنبال می‌شود. طبق گزارش‌ها و با اقدامات انجام‌شده، بخشی از ظرفیت تولید به میزان بیش از ۱۳۰ میلیون مترمکعب به شبکه بازگشته است، اما با وجود این، همچنان تا دستیابی به میزان تولید مطلوب و مورد نیاز، فاصله وجود دارد و این امر لزوم مدیریت جدی مصرف را گوشزد می‌کند. باید توجه داشت که مدیریت مصرف گاز از ارتباط مستقیمی نیز با استمرار تولید برق دارد. از آنجا که بخش عمده برق کشور در نیروگاه‌های حرارتی و با استفاده از گاز طبیعی تولید می‌شود، مدیریت مصرف گاز در بخش خانگی، نه تنها هزینه‌های خانوار را کاهش می‌دهد، بلکه نقشی حیاتی در پشتیبانی از تولید برق، استمرار سوخت‌رسانی به نیروگاه‌ها و حفظ پایداری شبکه سراسری انرژی کشور دارد. اگرچه نیروگاه‌های حرارتی امکان استفاده از سوخت‌های مایع جایگزین نظیر گازوئیل و نفت کوره را نیز دارند، اما ظرفیت استفاده از این سوخت‌ها در همه نیروگاه‌ها یکسان نیست. بنابراین، کاهش مصرف در بخش خانگی، فشار بر شبکه گاز را کاهش می‌دهد و امکان تأمین پایدار سوخت نیروگاه‌ها را فراهم می‌کند.

استخرهای روباز و باغ‌رستوران‌ها در فهرست متخلفان مصرف گاز

طبق اعلام جدید سعید توکلی، مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران، حدود ۷۰ درصد از مشترکان گاز خوش‌مصرف و طبق الگو هستند. ۱۸ درصد از مشترکین متوسط‌مصرف هستند و در پله دوم قرار دارند و پله سوم و چهارم بدمصرف و خیلی بدمصرف هستند و به‌رغم هشدارها نسبت به مدیریت مصرف بی‌توجه هستند. رستوران‌ها و باغ‌رستوران‌هایی که در فضای باز از تجهیزات گرمایشی استفاده می‌کنند، مشترکین خانگی که دمای وسایل گرمایشی را بیش از حد نیاز افزایش می‌دهند، صاحبان ویلاهایی که در شرایط ضرورت صرفه‌جویی، برای گرم کردن استخرهای روباز خود حجم بالایی از گاز کشور را مصرف می‌کنند، همگی در شمار مصرف‌کنندگان خارج از الگوی مصرف قرار دارند. بر این اساس اخیراً قطع گاز برخی رستوران‌ها و باغ‌رستوران‌های متخلف در دستور کار قرار گرفت و گاز ۹۷۰۰ ویلای پرمصرف نیز قطع شد. با توجه به محدودیت بیشتر گاز در مناطق شمالی کشور از جمله مازندران، گلستان و خراسان شمالی و حجم بالایی از مشترکان غیردائم به لحاظ ماهیت توریستی بودن این مناطق، به صاحبان ویلا اعلام شده که در پیک مصرف گاز در سکونتگاه‌های دائمی خود بمانند. در همین ارتباط، ابراهیم اسکندری، مدیر انرژی کربن گاز استان مازندران درباره اقدامات ویژه برای ویلاها و مشترکین پرمصرف گفت: سکونتگاه‌های غیردائم یا توریستی در استان شناسایی شده‌اند که تعداد آنها نزدیک به ۲۲۰ هزار واحد است. ما از این مشترکین خواهیم خواست که در زمان اوج بحران، در سکونتگاه‌های دائمی خود حضور داشته باشند.

او با اشاره به سیاست‌های دولت مبنی بر حفظ دمای رفاه در حدود ۲۰ درجه سانتی‌گراد، بر نقش کلیدی همراهی مردم در عبور از زمستان تأکید کرد و گفت: اگر همت ملی صورت بگیرد و با هدف حفظ سطح رفاه تولید در سایر استان‌ها، همه سازمان‌ها برای نگه داشتن دمای رفاه در ۲۰ درجه تلاش کنند، قطعاً با مشکل مواجه نخواهیم شد و زمستان را با سهولت پشت سر خواهیم گذاشت. مدیر انرژی کربن و گاز مازندران در ادامه تصریح کرد که بخش غذا و پروتئین از اولویت‌های بسیار بالا در مدیریت شبکه است و جزو اولویت‌های آخر ما برای قطع گاز هستند. ضمن اینکه تا سال گذشته نیز در بخش گلخانه‌های مرغداری و صنایع غذایی، با قطع گاز مواجه نشده‌ایم. اسکندری با اشاره به اینکه مازندران از استان‌های پرمصرف کشور و در انتهای زنجیره انتقال و توزیع گاز قرار دارد و به همین دلیل همراهی مردم در مدیریت مصرف اهمیت ویژه‌ای دارد، افزود: برای مدیریت مصرف همچنین به تمامی ادارات نیز ابلاغ شده است تا ۲۵ درصد نسبت به سال گذشته در مصرف گاز صرفه‌جویی کنند.

زمستان بدون بحران گاز با دمای ۲۰ درجه

برای عبور کم‌چالش از روزهای سرد پیش‌رو، مدیریت بهینه مصرف گاز و اصلاح الگوی گرمایش منازل از اهمیت بالایی برخوردار است. در همین راستا، پویش «۱۸ تا ۲۰ درجه» با هدف کاهش مصرف انرژی، بر حفظ دمای محیط منازل در محدوده ۱۸ تا ۲۰ درجه سانتی‌گراد، متناسب با شرایط ساختمان، متمرکز است. افزایش بیش از حد دمای وسایل گرمایشی فراتر از نیاز، یکی از عوامل افزایش مصرف گاز است. در این شرایط، تنظیم دمای فضای داخلی در محدوده استاندارد و استفاده از لباس مناسب فصل سرد، به جای افزایش دمای تجهیزات گرمایشی، می‌تواند ضمن حفظ آسایش حرارتی به کاهش مصرف انرژی کمک کند. همچنین جلوگیری از هدررفت انرژی از طریق درزگیری درها و پنجره‌ها، ترمیم منافذ و عایق‌کاری اصولی کانال‌ها و مسیرهای ارتباطی با فضای بیرون، از جمله اقدامات ساده و مؤثری است که مانع خروج هوای گرم و اتلاف انرژی می‌شود.

گزارش یک

زینب زرین

جابه‌جایی میلیاردها دلار در نظام مالی بین‌المللی از سوی ایران با وجود «تحریم‌های فراگیر»

همتی: دیگر تیری در ترکش تحریم‌کنندگان نمانده است

تحریم مرکز مبادله ارز و طلای ایران، شگرد روانی جدیدی از عملیات فرسوده فشار حداکثری است که پس از سال‌ها محدودیت مالی و ناکامی در تحمیل اراده سیاسی اکنون در زیرساخت رسمی معاملات ارزی کشورمان رخ‌نمایی می‌کند



«ظاهراً دیگر تیری در ترکش تحریم‌کنندگان نمانده که کارشان به تحریم مرکز مبادله ارز و طلای ایران کشیده است»، این جمله عبدالناصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی در واکنش به نمایش جدید وزارت خزانه‌داری رژیم امریکا، عصاره یک منازعه اقتصادی و سیاسی طولانی است که حاکمان کاخ سفید در آن با تکیه بر سلطه مالی خود می‌کوشند جریان تجارت خارجی کشورمان را مختل و استقلال تصمیم‌گیری اقتصادی مردم ایران را به هزینه‌ای سنگین تبدیل کنند، اما به اعتراف خودشان، ایران با وجود «تحریم‌های فراگیر» میلیاردها دلار در نظام مالی بین‌المللی جابه‌جا کرده است.

عبدالناصر همتی در واکنش به توهمات «اسکات بسنت»، وزیر خزانه‌داری امریکا، درباره تحریم مرکز مبادله و آنچه واشینگتن آخرین مرحله بانکداری سایه ایران می‌نامد، گفت: «ظاهراً دیگر تیری در ترکش تحریم‌کنندگان نمانده که کارشان به تحریم مرکز مبادله ارز و طلای ایران کشیده که صرفاً سکو و پلتفرم ثبت معاملات است.» رئیس کل بانک مرکزی کشورمان سپس با اشاره به ماهیت آشکار فعالیت این مرکز افزود: «مرکز مبادله که پیش چشم همه است، ساختمانش نشانی دارد، نامش روی تابلوی سردر است و وب‌سایتش هم در دسترس همه است، اگر اینجا را هم «بانکداری سایه» می‌بینند، ظاهراً دچار توهم آفتاب و سایه شده‌اند، شاید وقتی آدم در روز روشن هم هر سایه‌ای را تهدید می‌بیند، فقط در پادگان احساس امنیت می‌کند.»

کنایه همتی متوجه نوعی برچسب‌گذاری است که در دستگاه تحریم رژیم امریکا به رویه‌ای معمول تبدیل شده است و هرگاه یک زیرساخت اقتصادی در خدمت استمرار مبادلات ایران قرار می‌گیرد، واشینگتن می‌کوشد آن را در قالب یک تهدید امنیتی تعریف کند و با تغییر عنوان فعالیت اقتصادی، زمینه اعمال محدودیت حقوقی و مالی را فراهم آورد. مرکز مبادله نیز با همین شیوه مواجه شده است، در حالی که ماهیت فعالیت آن در ساختار رسمی بازار ارز کشورمان تعریف شده و کارکرد اصلی آن ثبت معاملات و سامان‌دهی عرضه و تقاضاست.

اصطلاح بانکداری سایه به فعالیت‌های واسطه‌گری اعتباری و مالی خارج از چارچوب متعارف بانکداری رسمی اشاره دارد، اما یک سکوی معاملاتی که عرضه‌کنندگان و متقاضیان ارز را به یکدیگر متصل می‌کند، هیچ تناسبی با چنین فعالیت‌هایی ندارد. بنابراین استفاده از این عنوان برای معرفی مرکز مبادله کشورمان، قرینه‌ای بر نمایشی بودن اقدامات «طبقه اپستین» در راستای عملیات روانی است.

اعتراف خزانه‌داری به استمرار شبکه مالی ایران

از طرفی آن‌طور که فارس نقل کرده است، بیانیه وزارت خزانه‌داری امریکا صراحتاً به توانایی ایران در حفظ و بازسازی شبکه‌های مالی خارجی با وجود تحریم‌ها اعتراف می‌کند و می‌نویسد: «ایران با وجود «تحریم‌های فراگیر» میلیاردها دلار در نظام مالی بین‌المللی جابه‌جا کرده است.» دستگاهی که سال‌ها با هدف قطع ارتباط مالی ایران با جهان فعالیت کرده، اکنون در اسناد خود از شبکه‌ای سخن می‌گوید که منابع ارزی را جابه‌جا می‌کند، نیاز واردکنندگان را پوشش می‌دهد و با استفاده از سازوکارهای متنوع، تجارت خارجی را استمرار می‌بخشد. چنین اعترافی با ادعای فلج شدن اقتصاد ایران سازگار نیست و محدودیت توان تحریم‌کننده در متوقف کردن تمام مجاری مبادلاتی کشور را آشکار می‌کند.

البته جابه‌جایی میلیاردها دلار به معنای دسترسی بدون محدودیت به منابع ارزی یا حذف هزینه‌های ناشی از تحریم نیست. با این حال، استمرار فعالیت شبکه‌های مالی و بازسازی مسیرهای تجاری، با توهمی که واشینگتن از انسداد کامل اقتصاد ایران تبلیغ می‌کند فاصله دارد، زیرا اقتصاد ایران با وجود فشارهای خارجی، سازوکارهای لازم برای تأمین بخشی از نیازهای تجاری خود را حفظ کرده است.

چرا مرکز مبادله به هدف تحریم تبدیل شد؟

برای فهم کارکرد اقتصادی این مرکز باید زنجیره تأمین مالی تجارت خارجی را بررسی کرد، به طوری که معامله تجاری به سازوکاری برای تعیین قیمت ارز، تأمین منابع، انتقال وجه و تسویه نیاز دارد و صادرکننده باید درآمد حاصل از فروش کالا را به چرخه اقتصادی بازگرداند و واردکننده نیز باید ارز مورد نیاز خود را برای خرید کالا و مواد اولیه تأمین کند. مرکز مبادله با سامان‌دهی عرضه و تقاضا و ثبت معاملات، بخشی از این فرایند را سازمان‌دهی می‌کند. در معماری مالی اقتصادی کشورمان، چنین زیرساختی به انضباط معاملاتی و شفافیت ثبت مبادلات کمک می‌کند و امکان ارتباط میان منابع ارزی صادراتی و تقاضای وارداتی را فراهم می‌آورد. بنابراین هدف‌گیری آن در فهرست تحریم‌ها را باید در چارچوب تلاش واشینگتن برای محدود کردن سازوکارهای داخلی مدیریت ارز تحلیل کرد، زیرا هرچه اتصال میان درآمدهای صادراتی و نیازهای وارداتی دشوارتر شود، هزینه تأمین کالا و استمرار فعالیت بنگاه‌های اقتصادی افزایش پیدا می‌کند.

با این حال، تجارت خارجی به یک مرکز معاملاتی وابسته نیست و شبکه‌ای از ابزارهای مورد نیاز و سازوکارهای تسویه در اجرای معاملات بین‌المللی نقش دارند و محدود کردن یک حلقه، تمام اجزای زنجیره را از کار نمی‌اندازد. ضمناً تجربه تحریم‌های مالی نیز به بنگاه‌ها و دولت‌ها آموخته است که برای کاهش آسیب‌پذیری، مسیرهای تأمین ارز، شرکای تجاری و روش‌های تسویه را متنوع کنند.

فشار اقتصادی و شکست منطق اجبار سیاسی

راهبرد فشار حداکثری بر یک نظریه مشخص در روابط بین‌الملل استوار بوده، با این رویکرد که قدرت مسلط با کنترل منابع مالی و محدود کردن دسترسی اقتصادی کشور هدف، هزینه مقاومت سیاسی را افزایش می‌دهد تا سرانجام محاسبات حاکمیتی آن کشور تغییر کند. در این الگو، تحریم ابزاری برای ایجاد اجبار است و ارزش آن با میزان امتیاز سیاسی دریافتی از طرف مقابل سنجیده می‌شود. حاکمان کاخ سفید سال‌ها این نظریه را علیه مردم ایران به کار گرفته و محدودیت‌های نفتی، بانکی، بیمه‌ای و تجاری را به مجموعه‌ای از فشارهای دیپلماتیک و تهدیدهای نظامی پیوند زده است. با وجود این، فشارهای گسترده نتوانسته نتیجه سیاسی مورد انتظار را محقق کند و همین شکست‌ها، استفاده مکرر از تحریم‌های جدید را به بخشی از سیاست مهار ایران تبدیل کرده است.

تحریم به‌مثابه ابزار جنگ شناختی

اعلام آنچه تحریم‌های جدید معرفی می‌شود حامل یک پیام روانی برای بازار و فعالان اقتصادی است و خزانه‌داری رژیم امریکا با انتشار نام نهادهای ایرانی و معرفی آنها به‌عنوان اجزای یک شبکه تهدیدآمیز تلاش می‌کند سطح نگرانی شرکت‌های خارجی را افزایش دهد و همکاری با اقتصاد ایران را پرهزینه‌تر جلوه دهد. به همین دلیل، آثار تحریم به محدوده مستقیم نهاد هدف محدود نمی‌ماند و رفتار بانک‌ها، شرکت‌های حمل‌ونقل، بیمه‌گران و طرف‌های تجاری را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

این عملیات روانی بر یک سازوکار مشخص تکیه دارد و می‌کوشد بین اعلام محدودیت و توهم توقف کامل فعالیت اقتصادی پیوند برقرار کند، به‌گونه‌ای که حتی اعلام تحریم یک مرکز معاملاتی به‌عنوان نشانه‌ای از انسداد کل شبکه تجارت ایران در ذهن مخاطب تثبیت شود، در حالی که به اذعان خودشان ایران با وجود تحریم‌ها و عملیات‌های مداوم خزانه‌داری که آخرین آن «عملیات طرد اقتصادی» نام گرفته، همچنان توانسته شبکه‌ای برای تأمین ارز و انجام تجارت خارجی حفظ کند.

به هر روی رژیم امریکا با تحریم مرکز مبادله، بار دیگر نشان داد که همچنان به دنبال محدود کردن حلقه‌های فعال تجارت خارجی ایران ماست، اما انتشار فهرست‌های جدید تحریمی جایگزین دستاورد سیاسی نمی‌شود و افزایش فشار نیز به‌خودی‌خود اراده یک ملت را در اختیار تحریم‌کننده قرار نمی‌دهد. جمله همتی درباره خالی شدن ترکش تحریم‌کنندگان، در دل همین واقعیت معنا پیدا می‌کند، به طوری که واشینگتن پس از سال‌ها اعمال فشار اکنون حتی یک سکوی علنی ثبت معاملات را هدف گرفته و این خود گویاترین نشانه از فرسودگی راهبردی است که قرار بود اقتصاد ایران را به نقطه توقف برساند.

گزارش ۳

بهناز قاسمی

طی ۳ سال گذشته هر ساله سهم خرید دولتی گندم ۱۰ درصد کاهش یافته است

همت تیم اقتصادی دولت برای تضعیف قوت غالب مردم

رئیس بنیاد ملی گندمکاران: قیمت گندم داخل ۴۹,۵۰۰ تومان و نرخ گندم خارجی ۹۲ هزار تومان است

نرخ محصول راهبردی گندم همچنان در ابهام است. در سال جاری دولت گندم کشاورزان را ۴۹ هزار و ۵۰۰ تومان خرید و گندم خارجی را ۹۲ هزار تومان وارد کرد. کشاورزان با طرح این سؤال که چرا در چهار ماه گذشته دولت نتوانسته با شش نماینده تشکل‌ها و کشاورزان به یک نقطه مشترک برسد، از بی‌تفاوتی دو عضو تأثیرگذار کابینه و غیبت چند هفته‌ای آنها و عدم حضور در جلسات شورای قیمت‌گذاری گله می‌کنند. طولانی شدن زمان تصمیم‌گیری نرخ گندم یا به این دلیل است که دولت در تخمین هزینه‌های واقعی تولید ناتوان بوده یا تلاش می‌کند با به تأخیر انداختن قیمت، فشار مالی بر بودجه دولت را کاهش دهد که در هر دو صورت، حضور نیافتن پورمحمدی و مدنی‌زاده در جلسات شورا از نظر مدیریتی پذیرفتنی نیست و باید به مجلس و مردم جوابگو باشند.

در چهار ماهی که از تکلیف دولت برای تعیین نرخ خرید تضمینی گندم می‌گذرد، وزیر جهاد کشاورزی مدام از تعیین نرخ در «آینده نزدیک» خبر داده و توجیه تعویق چند ماهه را اختلاف نظر اعضای شورای قیمت‌گذاری به نفع کشاورز اعلام کرده است. این اظهارات در حالی است که وقتی قانون تعیین می‌کند نرخ خرید در تیرماه اعلام شود، هدف این است که کشاورز با دید باز و پیش‌بینی هزینه‌ها، برای فصل زراعی برنامه‌ریزی کند و عبارت «به‌زودی» نرخ تعیین می‌شود، به معنای پذیرش صریح شکست در اجرای قانون است که این تأخیر پنج ماهه، کشاورز را در وضعیتی قرار داده که نمی‌داند آیا تولید گندم در سال جاری برای او سودآور خواهد بود یا خیر.

در حالی که زمان سرمایه کشاورز است و کشاورزی که نمی‌داند محصولش با چه قیمتی خریداری می‌شود، در تصمیم‌گیری برای خرید نهاده‌ها، کود و سموم دچار تردید می‌شود. بنابراین آیا منطقی است که دولت برای رعایت منافع تولیدکننده، او را پنج ماه در بلاتکلیفی نگه دارد؟ البته هرگونه ادعای حمایت از کشاورز، زمانی پذیرفته است که در کنار حمایت مالی، شفافیت و تعهد به زمان‌بندی وجود داشته باشد.

هر ساله سهم خرید دولت ۱۰ درصد کاهش می‌یابد

یک پژوهش در اتاق اصناف کشاورزی ایران، نشان می‌دهد که طی سه سال گذشته هر ساله سهم خرید دولتی گندم ۱۰ درصد کاهش یافته و امسال به کمترین میزان یعنی ۶۰ درصد رسیده است، کارشناسان اعلام بی‌موقع، نرخ کم و پرداخت با تأخیر مطالبات گندمکاران را عامل کاهش خرید دولتی می‌گویند.

امسال دولت ۸,۵ میلیون تن گندم از کشاورزان خرید، در حالی که تولید بنابر آمار وزارت جهاد ۱۴,۵ میلیون تن بود. گزارش‌هایی وجود دارد که گندم ایران در کشورهای همسایه به قیمت‌های بالاتر فروخته شد. متأسفانه دولت، به بهانه کمبود اعتبارات، گندم کشاورز را ۴۸ هزار و ۵۰۰ تومان خرید، اما مجبور شد بعد از تأمین ذخایر استراتژیکش، کیلویی ۹۲ هزار تومان گندم وارد کند. آیا عمدی در این سنگ‌اندازی‌ها بر سر خرید تضمینی گندم وجود دارد؟ محصول استراتژیک گندم، پس از تبدیل شدن به آرد و نان به جامعه بازمی‌گردد، در حالی که هنوز حق تولیدکننده در این چرخه به طور کامل بازنگشته است.

انتقاد رئیس اتاق اصناف کشاورزی از مدنی‌زاده و پورمحمدی

پیمان عالمی، رئیس اتاق اصناف کشاورزی ایران، با انتقاد از برگزار نشدن جلسات شورای قیمت‌گذاری محصولات اساسی کشاورزی در یک ماه اخیر گفت: تاکنون سه جلسه به دلیل عدم حضور مسئولان دولتی لغو شده و در جلسات برگزارشده نیز وزیر امور اقتصادی و دارایی و رئیس سازمان برنامه و بودجه، به‌عنوان اعضای اصلی شورا، حضور نداشتند. وی با اشاره به اهمیت تعیین نرخ خرید تضمینی گندم افزود: هنوز نتوانسته‌ایم جلسه‌ای با حضور اعضای اصلی شورا برای بررسی این موضوع مهم برگزار کنیم. در آخرین جلسه نیز دو نماینده مجلس نسبت به این وضعیت اعتراض کردند و ما هم تأکید کردیم که عدم حضور این مسئولان، بی‌احترامی به اعضای شورای قیمت‌گذاری و بی‌اعتنایی به امنیت غذایی کشور است.

برآورد ۸۵ هزار تومانی وزارت جهاد کشاورزی از نرخ جدید گندم

عالمی ادامه داد: وزیر اقتصاد و رئیس سازمان برنامه و بودجه از اعضای اصلی شورا هستند و حق رأی دارند، اما در بسیاری از جلسات به جای آنها معاونان یا حتی کارشناسان دستگاه‌ها حضور پیدا می‌کنند. این موضوع نشان می‌دهد که اهمیت تعیین قیمت گندم و امنیت غذایی کشور در سطحی پایین‌تر از جایگاه واقعی آن مورد توجه قرار گرفته است.

اختلاف ۲۰ هزار تومانی در نرخ‌های پیشنهادی

رئیس اتاق اصناف کشاورزی ایران درباره اختلاف دیدگاه‌ها درباره نرخ خرید تضمینی گندم گفت: در جلسات شورا ارقام مختلفی مطرح شده، اما اختلاف قابل توجهی میان دیدگاه وزارت جهاد کشاورزی، بخش خصوصی و سازمان برنامه و بودجه و وزارت اقتصاد وجود دارد، به‌طوری که فاصله پیشنهادها بیش از ۲۰ هزار تومان است و همین اختلاف مانع رسیدن شورا به اجماع و تعیین نرخ نهایی شده است. عالمی تأکید کرد: در نهایت منابع مالی خرید تضمینی گندم باید از سوی دولت تأمین شود و لازم است مسئولان اصلی دستگاه‌های مرتبط با حضور در جلسات، درباره این موضوع مهم به جمع‌بندی برسند.

غیبت وزیر اقتصاد و رئیس سازمان برنامه و بودجه در آخرین جلسه قیمت‌گذاری

دیروز آخرین جلسه شورای قیمت‌گذاری کالاهای اساسی برای تعیین قیمت گندم برگزار شد تا پس از چهار ماه قیمت تعیین شود. رئیس بنیاد ملی گندمکاران عطاءالله هاشمی که در این جلسه حضور داشت، در گفت‌وگو با فارس گفت: «جلسه شورای قیمت‌گذاری در حال برگزاری است، اما وزیر اقتصاد و رئیس سازمان برنامه و بودجه حضور ندارند»، تلاش اعضای شورا این است که قیمت نهایی و اعلام شود. هاشمی تأکید کرد: با توجه به اینکه آنالیز قیمت تمام‌شده تولید گندم نشان می‌دهد هر کیلوگرم محصول حداقل ۸۵ هزار تومان هزینه دارد، ما طبق مکانیسم قانونی رأی‌گیری خواهیم کرد. وی با اشاره به مسئولیت نهادهای متولی در اجرای تصمیمات افزود: هر نتیجه‌ای که از رأی‌گیری این جلسه حاصل شود، باید بلافاصله اجرایی گردد. اگر دولت توان پرداخت مبالغ مصوب را نداشته باشد، این یک بحران متفاوت خواهد بود، اما کشاورزان بر این باورند که اگر دولت از پرداخت هزینه تمام‌شده سرباز می‌زند، باید انحصار خرید را بردارد. اگر دولت گندم را از کشاورز داخلی خریداری نکند، می‌توانیم گندم را صادر کنیم یا تبدیل به آرد کرده و به کشورهای همسایه صادر کنیم.

انتقاد از مدیریت بودجه و درخواست شفافیت در بودجه ۱۴۰۶

رئیس بنیاد ملی گندمکاران با اشاره به تجربیات سال گذشته و ضرورت اصلاح رویکرد مالی دولت تأکید کرد: امسال با شرایط دشواری همراه بودیم و کشاورزان با دولت مدارا کردند، اما در سال آینده دولت موظف است مبالغ مصوب را در موعد مقرر پرداخت کند. وی تصریح کرد: در گفت‌وگو با نایب‌رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی نیز تأکید کردم که در بودجه سال ۱۴۰۶، نباید مطالبات گندمکاران را به ردیف‌های اعتباری مشکوک‌الوصول گره زد. این مبالغ باید از یک منبع اعتباری کاملاً مشخص و در دسترس، از طریق پیش‌پرداخت تأمین شود. این عضو شورای قیمت‌گذاری با انتقاد از عملکرد نهادهای دولتی که خود را حامی و قیم کشاورزان می‌نامند، افزود: واردات گندم با قیمت ۹۲ هزار تومان در حالی انجام می‌شود که نه‌تنها قیمت توافق‌شده با کشاورز داخلی در سال زراعی ۱۴۰۵-۱۴۰۴ رعایت نشده، بلکه حتی کمتر از آن قیمت نیز برای تولیدکننده داخلی لحاظ شده است. این روند باید مورد رسیدگی و محاکمه قرار گیرد تا حق تولیدکننده داخلی از بین نرود.

بحران کوداورە؛ از مازاد تولید تا جهش ۳۰۰ درصدی قیمت‌ها

رئیس اتاق اصناف کشاورزی با اشاره به هزینه نهاده‌های کشاورزی توضیح داد: یکی از چالش‌های بنیادین که در حال حاضر مسیر تولید را تهدید می‌کند، نوسانات شدید و افزایش قیمت نهاده‌های اساسی است. با وجود اینکه کشور در زمینه تولید کود اوره با مازاد تولید مواجه است، اما قیمت‌های داخلی با جهش‌های غیرمنطقی روبه‌رو شده است. آمارها نشان می‌دهد که قیمت کود اوره در دو مرحله نخست در اردیبهشت‌ماه ۱۰۰ درصد افزایش و از حدود ۷۰۰ هزار تومان به ۱,۵ میلیون تومان رسید. در ادامه هم در ابتدای سال زراعی جدید (مهر ۱۴۰۵) با وجود نیاز مبرم به کالاهای استراتژیک، شاهد افزایش مجدد قیمت‌ها بودیم که قیمت‌ها را از ۱,۵ میلیون تومان به حدود ۳,۵ میلیون تومان رسانده است.

وی تأکید کرد: این جهش قیمتی، برخلاف انتظار، با روندهای بازار و ظرفیت‌های تولید داخلی همخوانی ندارد و فشار مضاعفی بر کشاورز وارد می‌کند. این مسئول صنفی یادآور شد: با وجود افزایش قیمت و مازاد تولید کود اوره تنها در اختیار بخشی از تولیدات کشاورزی مثل گندم، جو، برنج، دانه‌های روغنی، چغندرقند و حبوبات قرار گرفته و باعث شده کشاورزان در انتخاب محصول مناسب برای کشت دچار سردرگمی شوند. تأمین تنها ۱۰ درصد کود و سم مورد نیاز کشور نیز از احتمال افت ۳۰ درصدی تولید گندم در فصل زراعی آتی حکایت دارد.

ورود دیوان محاسبات به پرونده «پول کسرشده گندمکاران»

همچنین مدیرعامل بنیاد ملی گندمکاران از ورود دیوان محاسبات کشور به پرونده عدم پرداخت کامل مطالبات گندمکاران خبر داد و گفت: پس از پیگیری‌های مستمر، مکاتبات بنیاد با نهادهای متولی و ارسال مستندات به دادستانی کل کشور، اکنون دیوان محاسبات نیز این اقدام را «مغایر با قانون» دانسته است.

علیقلی ایمانی در گفت‌وگو با مهر افزود: پس از ارسال نامه‌های سرگشاده به ریاست جمهوری و مکاتبات گسترده با نهادهای متولی و رایزنی با کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی، بالاخره دیوان محاسبات کشور وارد این پرونده شد. دیوان اعلام کرده است که عدم پرداخت کامل مطالبات گندمکاران که مجموعاً حدود ۱۲,۲ هزار میلیارد تومان (۱۲,۲ همت) برآورد می‌شود با مصوبات شورای قیمت‌گذاری محصولات اساسی کشاورزی مغایرت قانونی دارد.

مدیرعامل بنیاد ملی گندمکاران با اشاره به جزئیات این کسر مالی تصریح کرد: مبلغ کسرشده از مطالبات، معادل ۳ درصد از کل حقوق گندمکاران است. دیوان محاسبات تأکید کرده است که هیچ دستگاهی نباید تحت هیچ عنوانی (اعم از هزینه‌های بیمه یا کیفیت محصول)، مبلغی را از حق کشاورزان کسر کند. طبق قانون، تمامی مبالغ مصوب باید به‌طور کامل به حساب کشاورزان بازگردانده شود.

ابهام در نحوه پرداخت؛ تفاهم وزارت جهاد و سازمان برنامه و بودجه

وی در پاسخ به این پرسش که این کسر مبالغ از سوی کدام نهاد صورت گرفته است، گفت: در نهایت مشخص شده که شرکت بازرگانی دولتی که تحت نظارت وزارت جهاد کشاورزی فعالیت می‌کند، مبالغ را با کسر این درصد پرداخت کرده است. ظاهراً طی تفاهمی میان وزیر جهاد کشاورزی و سازمان برنامه و بودجه، این رویکرد اتخاذ شده است، در حالی که طبق قوانین موجود، هیچ عضوی از شورا نمی‌تواند به‌صورت انفرادی و برخلاف مصوبات جمعی، بر سر مبالغ توافق‌شده رأی‌خواهی یا تغییر ایجاد کند.

ایمانی با اشاره به اقدامات قانونی بنیاد، افزود: ما تمامی مستندات و مدارک مربوط به این تخلفات را به صورت مستند برای دادستانی کل کشور ارسال کردیم. اکنون با ورود دیوان محاسبات، فرایند رسیدگی وارد مرحله جدیدی شده است. در حال حاضر دستگاه‌های متولی، از جمله وزارت جهاد کشاورزی، فرصت یافته‌اند تا اگر ادله فنی و قانونی برای این کسر مبالغ دارند ارائه کنند، در غیر این صورت، تصمیم نهایی باید منجر به بازگشت سریع این مبالغ به حساب کشاورزان شود.